بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله و السلام علی عباده الذین اصطفی وبعد چنین گوید بنده اثیم کریم بن ابراهیم
این کلماتی است بر سبیل اختصار که برشتهٔ تحریر در آوردم بجهت تمرین و تعلیم اطفال بلّغهم الله منتهی
الآمال در اصول عقاید حقه و حقایق معارف که مبنای فرقهٔ ناجیه بر آنست تا الواح صدور ایشان
برسوم عقاید مرتسم شود و آنرا مشحون ساختم ببعضی از ادلهٔ واضحه تا آنکه اهل تمیز ایشان فی الجمله بهره
هم از آن ببرند و بتقلید صرف راه نروند و این رساله را مسمی ساختم بهدایة الصبیان و آن مشتمل است
بر مقدمه و چهار فصل مقدمه در بیان اموری چند است که قبل از ذکر عقاید بیان آن لازم آمد بدانید
ای فرزندان پسندیده و ای نور دیدگان برگزیده که وجود شما در این عالم عبث نیست و معلوم است که
در این عالم نبودید و خود شما خود را از شکم مادران بیرون نیاورده اید و خود شما خود را نساخته اید بلکه کسی
شما را ساخته و از شکم مادر بیرون آورده از برای مطلبی ساخته و از برای مطلبی بیرون آورده و از
برای محض لهو و لعب و خوردن و آشامیدن شما را باین عالم نیاورده اند پس سعی کنید تا
بفهمید که از برای چه شما را باین عالم آورده اند و کجا میبرند و با شما چه خواهند کرد
نصیحت میکنم مانند پدر مهربان و از من بپذیرید تا طفلید و آئینهٔ قلب شما صافی است و بزنگ
حرص و طلب دنیا آلوده نشده است کسب معرفت کنید و دانا و بینا شوید که چه کسی شما را ساخته
و از شکم مادر بیرون آورده و شما را روزی و غذا میدهد و عاقبت بکجا خواهد برد تا چون ان شاء الله

بتن پیری رسید پشیمان نشوید و آرزو نکنید که کاش در سن طفولیت تحصیل معرفت کرده
بودیم و بلهو و لعب عمر خود را نگذرانیده بودیم لهذا گوش دهید و آنچه شما را تعلیم میکنیم با کمال هوش
فرا گیرید تا خدا شما را بواسطه هدایت کردن بیامرزد فانه لرؤف رحیم اول در معرفت
بخدا است پس بدانید ای نورچشمان من که شما در این عالم نبوده اید و همچنین پدران و مادران و خویشان
شما هیچیک در این عالم نبوده اند همه را کسی باین عالم آورده که غیر ایشانست و آن خداست و خدا را کسی
نساخته که اگر او را کسی ساخته بود او هم بنده بود مثل شما و خدا تازه پیدا نشده بلکه همیشه بوده و خواهد
و هرگز نخواهد مرد که اگر بمیرد او هم بنده خواهد بود مثل شما و همچنین بدانید که یک خدا بیش نیست
بجهة آنکه اگر خدای دیگری بود بغیر از خدای یگانه می بایستی که او هم پیغمبری نزد بندگان خود بفرستد
و آنها را از حکم و فرمان خود خبر دهد و دیدیم که آن خدای یگانه صد و بیست و چهار هزار پیغمبر فرستاد و همه
آمدند و گفتند خدا یکی است و همه معجزه داشتند که دلیل راستی ایشان بود اگر خدای دیگری معبود
پس چرا سکوت کردی که این پیغمبران بندگان او را از راه ببرند و همه را کافر کنند پس چون این پیغمبران
گفتند که یک خدا بیش نیست و کسی ایشان را اذیتی نکرد و حرف ایشان را باطل نکرد و معجزهای ایشان را از
از دست ایشان نگرفت دانستیم که این پیغمبران راست گفته اند و خدای همه عالم یکی است و همچنین باید
بدانید که خدای شما دانا و بیناست بجهة آنکه شما را در تاریکی شکم باین خوبی و درستی آفریده همه اعضای
شما را درست و صحیح کرده اند و اگر دانا و بینا نبود شما را چگونه در تاریکی باین خوبی میآفرید و همچنین باید بدانید
که خدای شما صاحب قدرت و قوه است بجهة آنکه اگر عاجز و ناتوان بود نمیتوانست که این همه بندگان
بیافریند و این آسمان و زمین را بسازد و نگاه دارد و همچنین بدانید که اگر خدای شما شباهت به بندگان
خود میداشت آنهم بنده بود مثل شما پس هیچکس شبیه و مانند او نباشد و همچنین بدانید که
خدا را شریک و وکیل در کارهای او نیست خودش بدست خود این عالم را و این بندگان را آفرید

و هیچ بنده نمی‌تواند که چیزی خلق کند یا کسی را روزی دهد یا کسی را زنده کند یا کسی را بمیراند غیر از خدا
خداوند یگانه که همه را او خلق میکند و همه را او روزی میدهد و همه مردها را او زنده میکند و همه زنده‌ها را او میمیراند
بی شریک و وکیل و همچنین باید که باید همین خدای یگانه را بپرستید و شریکی در عبادت و سجده او
قرار ندهید بجهة آنکه همین خدای یگانه شما را خلق کرده پس چرا باید بندگی غیر این خدا را بکنید و هر چه
آنچه درین فصل نوشتم درست در دل جای دهید معرفت شما کامل خواهد شد انشاء الله و در معرفت خدا
شما را هرکه بزرگتر از شما است کافی است فصل دویم در معرفت پیغمبر است بدانید ای فرزندان گرام که چون
دانستید که خدا شما را خلقت کرده و باین عالم آورده بدانید که شما چون وقتیکه از شکم مادر بیرون آمدید
جاهل و نادان بودید و هیچ از خوب و بد دنیا خبر نداشتید و نمیدانستید که شما چگونه باید درین عالم
رفتار کنید پس چون خدا بشما مهربان بود خواست که نیک و بد این عالم را بفهمید و بفهماند و بشما
تعلیم کند که شما چگونه رفتار کنید تا عمر شما دراز شود و با هم نزاع نکنید و اذیت نکشید پس کسی را از
بندگان غیبی خود بسوی شما فرستاده و او را حاکم و بزرگتر شما کرد که بیاید در زمین و شما را هدایت
کند و نیک و بد شما را بشما تعلیم کند و اگر نزاع کنید در میان شما حکم کند و آن پیغمبر است در میان
خلق و در هر عصری حاکمی در میان خلق آفریده تا در میان خلایق حکم کند و خوب و بد کارهای ایشان را
بایشان تعلیم نماید پس از آن جهة صد و بیست و چهار هزار پیغمبر در میان خلق آفرید که بندگان را هدایت
کنند و آخر آن پیغمبران پیغمبر ما محمد صلی الله علیه و آله پسر عبدالله است که در مکه معظمه ظاهر
شد و معجزه‌های بسیار آورد و قرآن برای آن بزرگوار نازل شد پس بدانید که پیغمبر ما بهترین پیغمبران است
و از جمیع خلق خدا بهتر است و مقرب تر است و آن بزرگوار را فضیلتهای بسیار است از آنجمله چند
فضیلت است که لازم است دانستن آن اول آنکه بدانید که هر کس آن بزرگوار را نشناسد
خدا را نخواهد شناخت و هر کس نشناسد خدا را نخواهد شناخت بجهة آنکه او دلیل خدا است

و راه نمای بسوی خداست و مثل آن بزرگوار کسی صفات خدا را ظاهر نکرده و نخواهد کرد دوم آنکه

او اول کسی است که خدا او را خلق کرده و پیش از خلق بوده و او را خلق کرده بود و در عالم غیب بود

پیش از همه پیغمبران و در آخر زمان او را در میان خلق فرو فرستاد تا خلق را هدایت کند سیم آنکه

بدانید که خدا هرچه بخلق خود ببخشد و انعام کند اول بآن بزرگوار میدهد و او بمردم میرساند بجهة آنکه مردم آن

قابلیت ندارند که خودشان از خداوند عالم چیزی بگیرند مگر بواسطهٔ پیغمبر صلی الله علیه و آله پس خیر و شر را

تعلیم او میکند و او تعلیم مردم میکند و هر نعمتی و فیضی را باو عطا میکند و او بمردم میرساند و بر دست او

جاری میشود و او دست ولی نعمت خلق و حاجت بندگان را از خدا میرساند بجهة آنکه او دست واسطه

میان خلق و خدا است چهارم آنکه اوست پیغمبر خدا در میان خلق او پاک طینت و راستگو

و پاک است از هر گناهی و عیبی و نقصی بجهة آنکه خدا گناهکار و ظالم و با عیب و نقص را حاکم بر بندگان نمیکند

و امین خدا نمیشود پس آنچه گفته و خبر داده از امور دین و از نیک و بد و قرآن و مردن و قبر و قیامت

و حشر و نشر و بهشت و دوزخ و آنچه از اول تا آخر خبر داده همه راست و درست است و اگر دروغگو بود

خدا امر او را باطل میکرد و معجزات را از دستش میگرفت و او را رسوای میکرد و نمیگذاشت که بندگان را

از راه بیرون ببرد و بدین کافر کند و آنچه ذکر شد کافی است در معرفت پیغمبر صلی الله علیه و آله

پس انشاءالله معرفت در حق پیغمبر خود بهم رسانیدی و خواهی رسانید و [illegible] دوم در معرفت

امام است بدانید ای عزیزان ارجمند چون دانستید که خدا شما را عبث خلق نکرده و شما را

بی حاکم نمیگذارد پس واجب است بدانید که بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله واجب است در زمین وصیی

و جانشینی از برای خود قرار دهد و آن امامان باشند که دین پیغمبر را بخلق برسانند و دین خدا را

محافظت کنند که جاهلان دین او را برطرف نکنند و تغییر در دین خدا ندهند و آن امامان باید

مثل خود پیغمبر راستگو و پاک طینت باشند تا مردم خاطر جمع باشند که آنچه ایشان از خدا

میگویند همه رهنت است و هر حکمی میکنند بعدالتست و در بنها همه فضیلتهاست نهایت ندارد از همه خلق بعد از پیغمبر صلی الله علیه وآله بهترند و هیچ مخلوقی برتبه و شان ایشان نمیرسد و نخواهد رسید و آن چهار صفت که پیش گذشت در شان پیغمبر همه را دارند مگر رتبه پیغمبری و امامان دوازده اند اول جناب علی بن ابیطالب دویم امام حسن ع سیم امام حسین ع و هر دو این بزرگواران فرزندان علی بن ابیطالب اند و مادر طاهره ایشان فاطمه زهرا سلام الله علیها دختر پیغمبر است چهارم امام زین العابدین پسر امام حسین علیه السلم بود پنجم امام محمد باقر پسر امام زین العابدین بود علیهما السلم ششم امام جعفر صادق پسر امام محمد باقر بود صلوات الله علیهم هفتم امام موسی کاظم پسر امام جعفر صادق بود علیهما السلم هشتم امام رضا پسر امام موسی کاظم صلوات الله علیهما نهم امام محمد التقی پسر امام رضا غریب بود علیهما السلم دهم امام علی النقی پسر امام محمد تقی بود یازدهم امام حسن عسکری پسر امام علی النقی بود صلوات الله علیهما دوازدهم امام محمد مهدی پادشاه این عصر و امام این زمان و حاکم این روزگار است و از ترس ظالمان از چشم مردمان پنهان شده است و مصلحت در ظهور نمیدانند و اما قریب ظاهر خواهد شد و در میان مردم حکم خواهد کرد و ظالمانرا برطرف میکند و لکن حالا با وجود آنکه از نظرها پنهانست دین خدا را محافظت میکند و امر مردم را می بیند و هر چه صلاح بداند میکند و بعد از ظهور آن بزرگوار همه امامان و حضرت پیغمبر علیهم السلام باز بدنیا میآیند و حاکم و سلطان دنیا میشوند و عالم را پر از عدالت خواهند کرد و مردگان را زنده خواهند کرد و تلافی از همه ظالمان خواهند کرد باز ایشان حاکم خواهند بود در دنیا تا قیامت برپا شود و باز ایشان حاکم روز قیامت خواهند بود و کل حساب خلایق با ایشان خواهند کرد و ظالمان و بدان را بجهنم خواهند فرستاد و خوبان و مومنان را ببهشت خواهند فرستاد و ملائکه و جن و انس بحکم ایشان هستند و خواهند بود و هر چه بخواهند در دنیا و آخرت خواهند کرد و میکنند و همین قدر از ایشان

در معرفت شما با امامان بس است انشاءالله معرفت بهم خواهید رسانید خصیصا ما هم در معرفت شیعه

بدانید ای فرزندان هوشمند چون دانستید که خداوند زمین را بی حاکم و پادشاه بر حق نمیگذارد

و دانستید که امام شما یعنی امام محمد مهدی عجل الله فرجه بجهة مصلحت از نظرها مخفی است پس بدانید که خداوند

در زمان غیبت امام علیه السلام باز مردم را بی حاکم نمیگذارد و زمین را بی پادشاه نگذارده و نخواهد

گذارد پس کسیرا در هر عصری باید در میان خلق ضعیف بگذارد که دست خلق به آن بزرگوار برسد و او را

ببینند و دین خود را از آن یاد گیرند و در جهالت و ضلالت نمانند و بازهم بقدر مصلحت در میان مردم

حکم کنند تا بندگان در روز قیامت نگویند خدایا پیغمبر را از میان ما بردی و امام را پنهان کردی

و دست ما بآنها نمیرسید و ما هم جاهل و نادان بودیم پس اگر بدی کردیم از راه نادانی بود پس خدا بجهة این در

میان خلق از شیعیان در هر عصری چند نفر را انتخاب کرده است و علوم ائمه علیهم السلام را بایشان

تعلیم کرده و ایشان را در میان خلق قرار داده که مردم آنها را ببینند و دین خود را از ایشان یاد

گیرند و از جهالت و نادانی بیرون آیند و آن جماعت که حکام خدایند در میان خلق دو گروهند گروهیرا

نقبا میگویند و ایشان صاحبان تصرف در ملکند و هیچ چیز از فرمان ایشان بیرون نیست و

ایشان پیشکاران ائمه اند و احکام سلطنت ائمه را در دنیا و آخرت بانجام میرسانند و گروه دیگر را

نجبا میگویند و ایشان صاحبان حکم و سلطنت نیستند ولکن صاحبان علوم ائمه اند و علم

دین را ایشان تعلیم مردم میکنند و این دو گروه پیش ایشان و خلق میباشند در دنیا و آخرت

پس در دنیا حکام و معلمانند و در آخرت پیشکاران و وزرا میباشند و بدست ایشان نجات

مییابند مومنان و هلاک میشوند کافران و ایشان بهشت میبرند باذن و حکم ائمه

هر کس را صلاح میدانند و بجهنم میبرند هر کسرا صلاح میدانند و باید دانست که امر این رکن از

دین است از جور ظالمان مخفی بوده ایشانرا کسی نمیشناخت ولکن علم ایشان در میان

بقدر تمام شدن حجت خدا تا درین زمان که خداوند عالم مصلحت در اظهار این دانست و ظاهر کرد
این امر را و اول ظاهر شدن این امر که رکن چهارم دین است بواسطهٔ شیخ احمد بن شیخ زین الدین ا
لاحسائی بود اعلی الله مقامه در غرفهٔ الخلد اعلاهم پس آن بزرگوار بحول و قوهٔ خداوند این رکن را
اظهار کرد در عالم و حجت خدا را تمام کرد جزاه الله عن الاسلام و المسلمین خیر جزاء المحسنین و بعد از آن بزرگوار
ظاهر کنندهٔ امر جناب سید کاظم بن سید قاسم رشتی بود جل الله شانه و انار برهانه پس این بزرگوار
بحول و قوهٔ خداوند عالم احکام دین را از فروع و اصول در همهٔ عالم پهن کردند بطوریکه
شهری از شهرها نمانده مگر آنکه علم و معرفت ایشان بآنجا رسیده و بندگان بواسطهٔ این دو بزرگوار
آزمایش شدند و هر کس حکم و علم ایشانرا قبول کرد نجات یافت و هر کس قبول نکرد گمراه شد و باید
که خداوند بعد از ایشان باز زمین را خالی نگذارده و نخواهد گذاشت تا ظهور امام واجب است دوستی ایشان
و هر کس دشمنی ایشانرا بورزد و حال آنکه علم و فضل ایمانرا با ائمه علیهم السلام داشته باشند ناصب
از دین خداوند خارج شده است و عدو خدا و رسول است چرا که ایشان پهن نکرده اند در عالم
مگر معانی قرآن و حدیث محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله را و نمیگویند مگر آنچه را که اهل اسلام
بر آن اجماع دارند و بیزارند از هر قولی و فعلی و دینی که خلاف اجماع مسلمین باشد پس بنابراین
مخالف ایشان مخالف اجماع مسلمین است و مخالف اجماع مسلمین کافر است و دشمنی کافر از جهت
دین هر کس با دوستان ایشان عداوت کند و حال آنکه بداند که ایشان در اعتقاد تابع این
دو بزرگوارند آنهم ناصب و کافر و منکر مذهب حق شده است و کافی است آنچه درین فصل ذکر
شد از معرفت رکن رابع یعنی رکن چهارم دین و کافیست آنچه درین رساله ذکر کردیم در معرفت اصول
دین از برای صبیان انشاء الله و کتبها العبد الاثیم کریم بن ابراهیم فی مجلس واحد ابتغاء لمرضات الله
ثبتنا الله و ایاکم بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا و الآخرة   قد تمت الرساله الشریفه بحمد الله